



دوره هفتم تقنینیه

جلسه ۹۹	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره ۹۹
تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه لیله یکشنبه ۲۰ بهمن ماه ۱۳۰۸ مطابق ۹ رمضان ۱۳۴۸	مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود مطبعة مجلس	قيمة اشتراك داخله ايران ساليانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قيمة تك شماره يك قران

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس لیله یکشنبه ۲۰ بهمن ماه ۱۳۰۸ خ ( ۹ رمضان ۱۳۴۸ )

## فهرست مذاکرات

- |   |  |
|---|--|
| (۱) تصویب صورت مجلس   | (۵) بقیه شور ثانی لایحه تأمین مدعی به از ماده ۱۰                         |
| (۲) طرح و تصویب سرخصی آقای الفت   | (۶) استرداد لایحه منع ورود نقره - تقدیم یک فقره لایحه از طرف وزارت معارف |
| (۳) اقتراح شعب  | (۷) موقع جلسه بعد - ختم جلسه   |
| (۴) تقدیم ورقه سئوالیه آقای آقا سید یعقوب راجع بشکایت صیدان بندر پهلوئی |  |

مجلس ۸ ساعت و سه ربع بعد از ظهر (مقارن سه ساعت و ربع از شب گذشته) بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

صورت مجلس لیله ۱۳ بهمن ماه را آقای اورنگ (منشی) قرائت نمودند \*

- |                            |  |
|----------------------------|--|
| رئیس - آقای فیروز آبادی    | رئیس - آقای اعتبار                     |
| فیروز آبادی - قبل از دستور | اعتبار - قبل از دستور                  |
| رئیس - آقای زوار           | رئیس - آقای ملک مدنی                   |
| زوار - قبل از دستور        | ملک مدنی - بنده در صورت جلسه عرض داشتم |

\* عین مذاکرات مشروح نود و نهمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

- غائبان اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده است : غائبین با اجازه - آقایان : حسنعلی میرزا دولت‌شاهی - افغنی - دکتر امیر اعلم - پالیزی - آقا زاده سبزواری - امیر عمری - موخر - اورنگ - پروچردی - امیر حسین خان - مهدوی - ارباب کیشرو - تیمورتاش - حاج سید محمود
- غائبین بی اجازه - آقایان : فهیمی - میرزا حسنخان وثوق - بوشهری - فولادوند - آصف - دیوان بیکی - اعظم - ارستانی - قوام - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - کفائی - بیات - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک - رفیع
- دبر آمدگان با اجازه - آقایان : روحی - مجد ضیائی - رهبری - عبدالعزیز خان دیا - پور محسن - دشتی - عراقی
- دبر آمدگان بی اجازه - آقایان : شریعت زاده - اسدی



رئیس - بفرمائید

ملك مدنی - آقای فولادوند را غائب بی اجازه نوشته اند خواستم عرض کنم که اجازه خواسته بودند و در این جلسه تصویب شد.

رئیس - اصلاح میکنیم. آقای طاهری

دکتر طاهری - آقای دولتشاهی را غائب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه ایشان توسط بنده استجازه کرده اند و تصویب هم شده است.

رئیس - اورا گویا بد شنیده اید، اجازه نوشته اند اشتباه شنیده اید. آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در دستور عرض دارم

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟

(نایندگان - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد.

جمعی از نایندگان - دستور. دستور.

فیروز آبادی - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

فیروز آبادی - بنده اجازه میخواهم از آقایان که

بعضی عرایضی که عقیده همه آقایان است عرض کنم و تذکر بعضی امورات نفع است که در سکوتش نیست از این جهت بنده اجازه میخواهم عرایض خودم را تذکر

بدهم انشاء الله امید وارم که هم بوظیفه خودمان عمل کرده باشیم و نتیجه هم امید وارم داشته باشد و بی نتیجه نباشد. یکی میخواهم عرض کنم که بقانون اسلام بلکه هر مذهبی حفظ نفوس محترمه بر هر کس واجب است... (صدای زنگ)

رئیس - فقط راجع به لزوم مذاکره قبل از دستور

باعدم ورود در دستور بفرمائید.

فیروز آبادی - خوب بنده بعضی عرایض است که

میخواهم عرض کنم و بعضی از آقایان هم بهمین طریق و چون موقع دیگری بجهت عرض آن عرایض نیست بجز قبل از دستور امید وارم آقایان اجازه بدهند که بنده عرایض خودم را بکنم اگر هم میدانند که کارزود

داریم عرض کرده ام جلسات را زیاد بکنید هفته دو جلسه سه جلسه پنج جلسه و شش جلسه بکنید که تمام مطالب گفته شود بنده استدعا میکنم و خواهش میکنم که اجازه بفرمایند بنده عرایض خودم را عرض کنم.

رئیس - آقای زوار شما میخواهید در ورود در دستور اظهار کنید؟

زوار - بلی

رئیس - بگوئید آقا

زوار - عرض کنیم که مذاکرات قبل از دستور بحکم تجربه این دودوره که بنده اینجا بوده ام و افتخار عضویت مجلس شورای ملی را داشته ام معلوم شده است که هیچ مؤثر نبوده است (فیروز آبادی - چرا مؤثر

بوده است) و مخصوصاً خود بنده مصر بودم که عرایضی قبل از دستور عرض کنم بعد ملتفت شدم که عرایض قبل از دستور همیشه راجع به اجرائیات است یعنی ما

بایستی اینجا همیشه مطالبی را بعرض مجلس برسائیم که بالاخره راجع است به هیئت دولت و درنظامنامه داخلی مجلس مصرح است یا باید وکیل از دولت سؤال کند و یا استیضاح کند و ممکن است مذاکرات قبل از دستور را با سؤال کنید یا استیضاح چون راجع به

اجرائیات است و غالباً هم تجربه شده است که مذاکرات قبل از دستور وقت را تلف میکند از این نقطه نظر بنده استدعا میکنم از آقا که اگر فرمایشی دارید سؤال کنید از دولت و بالاخره این مذاکرات جز اینکه وقت

مجلس را ضایع کند فایده دیگری ندارد و هیچ مشورتی نخواهد بود.

فیروز آبادی - خودتان هم اجازه بجهت همین

خواسته بودید.

رئیس - آقایان موافقین با ورود در دستور قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) اکثریت است.

[ ۲ - تصویب مرخصی آقای الفت ]

رئیس - يك فقره خبر مرخصی از کمیسیون رسیده است...

آقا سید یعقوب - بنده در دستور عرض داشتم.

رئیس - بعد وارد میشویم. خبر مرخصی قرائت می شود:

خبر مرخصی آقای الفت

نماینده محترم آقای الفت برای رسیدگی بامور محلی خود از پنجم اسفند بیست و پنجروز تقاضای مرخصی نمودند. کمیسیون بالنظر به ایشان موافق اینک خبر آن را تقدیم میدارد.

رئیس - آقای ملك

ملك مدنی - موافقم.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده در این مرخصی ها کمیته مخالفم نمیدانم علت چیست که موفق به مقصود خودم نمیشود در صورتیکه فرد آقایان وقتی که مذاکره میشود با عقیده بنده اظهار همراهی میکنند بنده که مخالفت با این مرخصیها میکنم برای این است که این وجوه زمین غنیمت آقایان به مصرف فقرا برسد البته بعرضتان رسیده است که مثلاً در صفحات جنوب هزار هشتصد نفر امسال از سرما فوت کرده اند و در طهران چقدر مردم گرسنه اند و بریشانند بین نظریات بنده عقیده ام این است که این وجوه لااقل به فقرای طهران برسد که مثل برادران جنوبیشان تلف نشوند از سرما و به این جهت مخالفت میکنم هر چند میدانم که موافقت با عقیده بنده نمیشود اما بنده عرض خودم را میکنم

رئیس - آقای ملك مدنی

ملك مدنی - فرمایشات آقای فیروز آبادی در

جای خودش خیلی مورد تقدیر است و همه ماها هم به عقیده ایشان همراهی داریم و در موقع خودش هم امیدوارم عقاید ایشان اجرا شود ولی آقای الفت برای يك مضایقی که جنبه عمومی دارد مرخصی خواسته اند و آقای فیروز آبادی هم تصدیق مبفرمایند که آقای الفت یکی از نمایندگان است که همیشه ایفای وظیفه میکنند و خواهش میکنم آقا هم موافقت بفرمایند

رئیس - موافقین با مرخصی آقای الفت قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد.

[ ۳ - اقتراع شعب ]

رئیس - بظنوری که خاطر آقایان آگاه است مدت قانونی شعب بیابان رسیده است و میبایستی که جدیداً شعب را اقتراع کنیم عده حاضره صد و ششزده نفر هر شعبه نوزده نفر به شعبه اول و دوه هم که بیست نفر

ببغزائیم موافق مضایق خواهد شد (آقای مؤید احمدی (منشی) اقتراع نموده شعب سته

بقرار ذیل تعیین شدند) شعبه اول - آقایان: بزرگ نیا - یسائی - محمد حسن خال مسعودی - ضیاء - مرآت اسفندیاری - دیوان بیگی

جمشیدی - میرزا حسن خال وندوق - درویشی - آقا سید مرتضی وندوق - آقا سید پور حسن - شیخ محمد جواد - شیخ الملك - فرشی - یزدی - دبستانی

فهیمی - آقا میرزا محمود خان نصری - عباس میرزا فرمادفرمانیان - شعبه دوه - آقایان: امیر حسن خان - همراز - حمیدری - ذوالقدر - مقدم - مؤید احمدی - ظفری

کیا نوری - امیر تیمور کلالی - طالبخان - شریفی کاشانی - کازرونی - میرزا عبدالحسین خان دیبا - دکتر امیر اعلم - حاج علی کبر امین - میرزا یونس



دستی - دعوتی

شعبه سوه - آقایان : فرخی - محمد تقی خان اسعد جلالی - محمد علی میرزا دولتشاهی - روحی - طابع - طباطبائی دینا - آقا میرزا هاشم آشتیانی - لاریجانی - خلعت - رحیم زاده - عراقی - طباطبائی وکیل - امیر ابراهیمی - محمد ضیائی - زوار - احتشاه زاده - وهب زاده - حاج میرزا حبیب الله امین

شعبه چهارم - آقایان : الفت - بنکدار - مخبر فرهمند - نوبخت - ارباب کیخسرو - سلمانخان اسدی حاجی سید محمود - مقلی - داتر عظیم - خواجهوی - دادگر - داتر لغمان - آقا اللهزاده شیرازی - دکتر سنگ صدقی - ملک مدنی - مولوی - عدل - قنوجی

شعبه پنجم - آقایان : حمد الله خان بیات ماکوئی - فولادوند - آقا زاده سبزواری - اقبال - فیروز آبدی هزارجریبی - حاج آقا رضارفع - آقا سید حسین آقاییان - امیر دولتشاهی - پاییزی - مرتضی قلیخان بیات - قراگوزلو - افخمی - دکتر طهری - موقر - شریعتزاده - مهدوی - افسر - ملک آرائی

شعبه ششم - آقایان : عامری - نجومی - حبیبی - رهبری - محمدولیمیرزا - کفائی - تیمور تش - ساکنیان قاضی نوری - مصباح فاطمی - آقا شیخ علی مدرس - آقا سید کاظم بزدی - شهداد - مصدق جهانشاهی - ظهیرانی آقا سید یعقوب - اعتبار - غلامحسین میرزا مسعود - محمد آخوند

شعبه ۱ - آقای اسکندری .  
شعبه ۲ - آقای دکتر ملک زاده .

رئیس - از آقایان منتخبین اعضاء شعب تنها میکنم که در ختم جلسه کمیسیونهای مبتکرات و عرایض را انتخاب کنند و مخصوصاً در انتخاب کمیسیون عرایض سرعت فرمایند که کارهای جاری وقفه پیدا نکند آقای آقا سید یعقوب در دستور فرمایشی دارید ؟

۴- تقدیم ورقه سئوالیه آقای آقا سید یعقوب راجع به

شکایات صیادان بندر پهلوی

آقا سید یعقوب - مدنی است که از بندر پهلوی

(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده دوازده مطرح است :  
ماده دوازدهم - قرار قبول یارد تأمین قابل استیناف و تمیز نیست .  
رئیس - آقای طهری .

دکتر طهری - در شور اول این ماده این طور بود که از قرار رد تأمین مدعی یا محکوم له میتوانستند تا ده روز فقط استیناف بدهند ولی حالا در شور دوم این ماده بیک طوری تنظیم شده است که قرار قبول یارد تأمین هیچکدام قابل استیناف و تمیز نیست . بعقیده بنده اگر چنانچه این ماده همینطور تصویب شود ممکن است بیک حقی از مدعی و محکوم له فوت شود برای اینکه اگر محکوم لهی تقاضای قرار تأمین کرد و محکمه رد کرد یا اینکه مدعی بهی را قرار تقاضای تأمین کردند و از مواردی هم هست که پذیرفته شدن تقاضا حتمی است ولی معذک محکمه رد کرد اگر چنانچه حق مدعی در این جا تفریط شود جبران این چطور میشود . ولو اینکه قاضی هم در محکمه انتظامی محکوم شود معذک جبران حق مدعی را نمیکند فقط دلیلی که ممکن است برای این کار آورد تسریع در محاکمه است اگر چنانچه این دلیل موجب این باشد که قرار ها قابل استیناف و تمیز نباشد در تمام محاکمات باید همین جور باشد و تمام قرار ها قابل استیناف نباشد ( یاسائی همینطور هم میشود ) قرار هم با احکام چه فرق دارد پس خوب است احکام را هم همین کار را درس بکنید اگر بیک حکمی را که محکمه بدایت داد و در ذیل آن نوشت که این حکم قطعی است در صورتیکه ممکن است قطعی نباشد وقتی که طرف استیناف داد ممکن است در محکمه بالاتر اگر چنانچه در محکمه ابتدائی قاضی بیک خطائی کرده است جبران شود ولی وقتیکه ما محدود کنیم آراء راهبان محکمه در این صورت ایجاد محاکم مافوق دلیلی ندارد

در صورتیکه ایجاد محاکم مافوق برای این است که ترضیع حقی نشود پس بعقیده بنده بایستی که قرار رد قابل استیناف باشد منتهی این است که ممکن است بگوئیم چون این قرار در اصل محاکمه تأثیری ندارد و مثل قرار قبول ورد عرضحال نیست و اگر رد شود مانعی ندارد از آن طرف هم ممکن است بگوئیم که چون این قرار اگر برود استیناف و برگردد منافات با تعقیب محاکمه ندارد باید قابل استیناف باشد چون محاکمه تعقیب میشود و محاکمه جریان دارد و تعطیل نمیشود برای اینکه مربوط باصل موضوع نیست و هیچ تلازمی با اصل موضوع ندارد ممکن است قرار برود در استیناف و محاکمه هم جریان خودش را داشته باشد و اسباب تعویق کار هم نشود .

یاسائی - ( مخبر کمیسیون قوانین عدلیه ) - در قانونی که فعلاً مجرا است و میخواهیم این قانون را جای آن بگذاریم در آنجا معین شده است که اگر محکمه قرار رد تقاضای مستدعی تأمین را داد شکایت در استیناف میشود کرد ولی مادراین قانون بیک تفاوتی قائل شده ایم که دیگر موجبی ندارد که ما این حق را برای مستدعی تأمین پیش بینی بکنیم زیرا در قانون فعلی صدور قرار بنظر قاضی است ولی در این جا سه مورد که اکثر موارد مشمول آن سه مورد است الزامی است و قاضی نمیتواند رد کند که ما بیائیم فرض کنیم که اگر رد کرد استیناف بدهد خواهد فرمود که ممکن است به وجود این که قانون الزامی کرده است و مدعی هم سند رسمی دارد بز قرار رد تقاضایش صادر شود این مثل این است که قاضی حکم صادر کند بدون دلیل شما در قانون نوشته اید که حکم محکمه باید مدلل باشد اگر بیک قاضی حکم صادر کرد بدون دلیل خوب خلاف قانون کرده است ( فرض که دارد ) خوب شما نوشته اید عرضحال را قاضی باید بمدعی علیه ابلاغ کند آنوقت رسیدگی بکند و حکم کند اگر بیک قاضی اصلاً بدون ابلاغ عرض حال به محکوم علیه حکم بدهد ...

تاکرات زیادی از صیادان آن جا می آید و لابد بمقام ریاست هم رسیده است چون قبل از دستور هم نمیشود صحبت کرد زچیز شده و این موضوع را تحت بیک سئوالی در آورده بقیه ریاست میدهم بکنند بفرمایند که آقای وزیر مالیه حاضر شوند و بدینهم راجع به اینها چداقتضا میکنند . همین را خواستم عرض کنم

۵- بقیه شورائاتی لایحه تأمین مدعی به از ماده ۱۰  
رئیس - شور ثانی تأمین مدعی به ماده دهم مطرح است ماده دهم - در مورد اموائی که مدعی علیه تردد دیگران دارد وقتی قرار تأمین بموقع اجرا گذارده میشود که مدعی علیه ابلاغ شده باشد مگر در موردی که مدعی علیه یا محکوم علیه غایب بوده و بنا بر امورات قویه ابلاغ بهت ترضیع و تفریط مدعی به بشود در این صورت قرار پس از اجرا ابلاغ شده و مدعی علیه مطابق ماده ۹ حق اعتراض دارد .

رئیس - آقای روحی  
روحی - عرضی ندارم .  
رئیس - مخالفی نیست ( نمایندگان - خیر ) موافقین با ماده دهم قیام فرمایند .  
( اغلب برخاستند )

رئیس - تصویب شد . ماده یازدهم قرائت میشود :  
ماده یازدهم - در مواردی که مطابق مواد فوق مدعی علیه یا محکوم علیه به قرار اعتراض میاید باید در ظرف ده روز بمحکمه رجوع کنند تا اعتراض رسیدگی شود . هرگاه مدعی علیه یا محکوم علیه در ظرف مدت مذکوره محکمه رجوع نمود یا محکمه پس از رسیدگی اعتراض را بيمورد دید قرار تأمین مطابق مقررات این قانون بموقع اجرا گذارده خواهد شد .

رئیس - در ماده یازدهم مخالفی نیست . موافقین با ماده یازدهم قیام فرمایند .



دکتر طاهری - آئین استیناف میدهند.

مخبر - میدانم ولی از نقطه نظر استیناف که میشود جلوگیری کرد. محکمه انتظامی برای این جور چیزها است اگر شما برای مواد قانونی بخواهید یک طریقی پیش بینی بکنید اضافه تر بالاخره برای هر ماده باید یک فکری کرد اینطور که میشود اگر قاضی آمد بالاخره یکی یکی از مواد قانون را تخلف کرد شما که میگوئید قاضی ملزم است در این موارد قرار قبول صادر کند اگر تخلف کرد باید از مقام قضاوت اصلاً منفسط کرد...

آقا سید یعقوب - چه فایده برای مدعی دارد؟

دکتر طاهری - شما قاضی را محاکمه میکنید فایده برای مدعی ندارد.

مخبر - عرض کنم این مورد مثل آن موارد نیست من فرض اعلایش را عرض کردم شما وقتی که فرض کردید در موارد عدیده صدور قرار تأمین الزامی است باز یک فرض تازه هم کردید که اگر حکمی از بدایت صادر شد محکوم له میتواند تقاضای تأمین محکوم به را بنماید با این فرض دیگر علتی ندارد که ما وقت استیناف را اشغال کنیم اگر من حکمی بر لاهم صادر شد قبلاً هم تقاضا کرده بودم و محکمه بدایت هم رد کرده بود در اینجا پیش بینی شده است که با ادله جدید باز میتوانم از همین محکمه تقاضا کنم فرض این است که رد کرده وقتی که از محکمه حکم بر له من صادر شد تقاضای تأمین میکنم در این صورت از من تضییع حقی نمیشود فقط یک فرقی دارد و آنهم در صورتی است که سند رسمی نیست و سند عادی نیست مدعی به با قرینه سند عادی در معرض تضییع و تفریط نیست آن جا بنظر قاضی است که ممکن است رد کند در آن جا اقتدرها دعوی پروبای درستی ندارد که ما بیائیم این جا اینقدر دلسوزی بکنیم برای این مدعی بهتر این است که این جور مدعی که اینقدرها مدارکش قانونی نیست وقت

محاکم را نگیرد و این که فرمودید سایر قرارها هم پس استیناف نداشته باشد بنده عقیده ام این است و شاید اعضای کمیسیون عدلیه هم عقیده شان این است که وزارتخانه هم این عقیده را تقویت میکند که کاری باید کرد که کار در محاکم کم بشود الان وقت تمیز رسیده است به یکسال و بالاخره وقت استیناف هم به چندین ماه اگر شما بخواهید اجازه بدهید که قرارها برود در محاکم بالاتر جلو محاکمات عمده را بگیرد و وقت مردم را ضایع میکند و خسارتش برای جامعه بیشتر است پس بهتر این است که موافقت کنید اگر چنانچه تقاضای تأمین آن رد شده در موقع صدور حکم برود و تقاضای اجرائش را بکند یعنی تقاضای تأمین محکوم به را بکند که در حکم اجرا است

رئیس - آقای آقا یعقوب مخالفید؟

آقا سید یعقوب - بلی

رئیس - بفرمائید.

آقا سید یعقوب - این موضوعی را که آقای دکتر طاهری اظهار کردند آقای وزیر عدلیه هم خودشان شاهد هستند و اعضاء کمیسیون هم میدانند که بنده یک نفر از اعضاء کمیسیون بودم که طرفدار این عقیده هستم که در صورتیکه مدعی به در مقام تضییع باشد یا در مقام تفریط باشد یعنی مدعی علیه در مقام تضییع و تفریط مدعی به باشد و آمد مدعی تقاضای تأمین کرد در اینجا محکمه رد کرد آقا شما میفرمائید که قاضی را در اینجا ما میبریم محکمه و او را محاکمه میکنند مال من از بین رفته است چاره این چیست که قاضی را ببرید محاکمه کنید؟ فرضاً قاضی را بردید محکمه انتظامی و محاکمه هم کردید و محکوم شد بانفصال ابد از خدمت دولت آیا مال من که از بین رفته است چه میشود؟ (طلوع صحیح است) در این موضوع بنده کاملاً با آقای وزیر عدلیه صحبت کردم و آقای وزیر عدلیه گفتند که من این را واگذار میکنم برای کمیسیون قبول دارم که کمیسیون

اکثریت است و رأی اکثریت قاطع است و موافقت نکرد با عقیده بنده ولی بنده بعرض مجلس میرسانم مادر ماده پنجم سه قسم گزینیم که تأمین مدعی به الزامی است که محکمه باید تأمین کند یکی در صورتیکه سند مدعی سند رسمی باشد یکی اینکه در صورتیکه مدعی علیه در مقام تضییع و تفریط مدعی به باشد یکی در صورتیکه خسارات را تأمین کند حالا میفرمائید که اگر قاضی این جا رد کرد او را میبرند محکمه و محاکمه میکنند آقای یاسائی حفظه الله این جا یک منطبق غربی بین میکند که معطل میشود و باید زود تر احقاق حق بشود استیناف که مثل مجلس نیست که اگر بخواهند احقاق حق یک مدعی را بکنند فوراً بگویند نه حرف تری محکمه استیناف برای چه قرار داده شده است ابتدائی و استیناف و تمیز برای چه قرار داده شده است برای اینکه حکمی که صادر میشود اقرب باشد بسوی عدالت و الا بیاید تمام محاکمات را واحدی کنید مثل آن محکمه بلخ که تشکیل شده بود و نایب هادیخان می آمد و دعوی را قطع میکرد اگر میخواهید محکمه نباشد نایب هادیخان را ببرید به جوب و اشکک دعوا را تمام میکنند اما ما میخواهیم دعوی به عدالت تمام شود و اقرب به عدالت باشد و محل اطمینان باشد در این موردی که آمد که بنده میتوانم مدلل بدارم که مدعی علیه در مقام تضییع و تفریط مدعی به است و بعد محکمه آمد و رد کرد تقاضای من را اینجا حق استیناف بمن بدهید چه عیب دارد میفرمائید دو سیه میرود آنجا معطل میشود دو سیه مال بنده است من مدعی هستم خودم میدانم حق استیناف را شما بمن بدهید اگر دیدم که دو سیه من معطل میشود خوده این کار را نمیکند عقیده بنده این است که این حق را بد بنده بدهید و این را بنده پیشنهاد کردم که در جزء اول ماده پنجم و اگر بدانم مجلس موافق نظریه بنده است در تمام ماده پنج بنده این تقاضا را میکنم که در جاهائی که الزامی است اگر محکمه آمد و رد کرد آنجا مدعی حق استیناف

داشته باشد حق استیناف که الزام نمی آورد اگر من دیدم طول میکشد محاکمه ام استیناف میدهم این است عقیده من و پیشنهاد میکنم و با آقای طاهری موافق هستم که در اینجا این حق از مدعی گرفته نشود و در صورتی که قاضی آمد و در همچو صورتی که قرار الزامی بود رد کرد آقای یاسائی تصدیق کنید که محاکمه کردن قاضی ربطی بمن ندارد. حکایت آن شخصی است که گفت من زنده ام راحت باش تو بمیر من اینجا زنده هستم خوب. بعد از مردن من صدفر را هم که برای من بکشند چه اثری برای بنده دارد؟

مخبر - فرمایشات آقا از نقطه نظر عمل درست نیست بنده عرض میکنم همین قاضی استیناف که مورد اطمینان شما است اگر برخلاف حق و عدالت و بدون دلیل یک کاری کرد شما چه میکنید؟ شما خیال می کنید محض اینکه دوسیه رفت بهلوی کسی دیگر خوب میشود؟ این طور نیست؟ از نقطه نظر اصول بالاخره فرمایش شما درست است ولی از نظر عمل جز تضییع وقت محکمه فایده دیگری ندارد و وقت محاکم و مرده را هم ملاحظه کنید که زید تلف میشود. شما برای قضاة الزامی می کنید که این کار را بکنند مثل سایر مقررات قانونی که میکنند بکنند حالا شما اگر میخواهید حقوق بیشتری برای مستدعی تأمین قائل شوید این بر خلاف عقیده عده دیگری است که اصلاً مخالف تأمین مدعی به هستند و منکر این قانونند کازرونی - بر خلاف اصل است

مخبر - و بقول آقای کازرونی بر خلاف اصل است بالاخره این بنظر بنده افراط و تفریط است. همینکه در مرحله ابتدائی گفته ایم که قرار صادر کنند کافی است دیگر لازم نیست که این حق را در استیناف هم قائل شویم شما هم موافقت بکنید که این هم مثل سایر موارد باشد و بگذارید در مرحله بدوی تمام شود و جریان محاکمات سریع تر شود



رئیس - آقای احتشام زاده مخالفید؟

احتشام زاده - بلی

رئیس - بفرمائید

احتشام زاده - بنده برای اینکه وقت مجلس را زیاد تضییع نکرده باشیم از مسائلی که قبلاً تکرار شده است راجع باین ماده با اینکه بنده مخالف هستم خود داری میکنم فقط دلالتی که دارم برای لزوم قرار تأمین که بایستی حق استیناف برایش قائل شد عرض میکنم بنده کاملاً معتقدم که باید از نظر تسریع محاکمات در کم کردن کار محاکم سعی کنیم که تمام قرار هائی که هست در ضمن محاکمه حق استیناف و تمیزش را حذف کنیم ولی یک مواردی است که حق تضییع میشود از بابت سلب حق استیناف و تمیز در این قبیل موارد نسبت باین قبیل قرارها ما اگر بخواهیم حق استیناف و تمیز را اسقاط کنیم و بگوئیم که این قرارها غیر قابل استیناف و تمیز است حق تضییع میشود و بنده موافق نیستم. زیرا مدعی خودش را ذی حق در تقاضای تأمین میداند و اگر ما حق استیناف و تمیز برایش قائل نشویم مدعی بهش ممکن است در معرض تضییع و تفریط واقع شود و بالاخره پس از آنکه جریان محاکمه خاتمه پیدا کرد و مدعی در تمام مراحل محکوم له واقع شد آنوقت که با اجرا میرسد ممکن است مدعی به از بین رفته باشد. بیچاره پس از اینکه مدتی زحمت کشیده و وقت خودش را تلف کرده است تازه چیزی بدستش نیامده است. این است که بنده در این مورد لازم میدانم آقایان موافقت بفرمایند که حق استیناف و تمیز برای مدعی باقی باشد راست است که همه ما با آن اصلی که در نظر داریم موافقم که قرارها قابل استیناف و تمیز نباشد ولی بنده معتقدم که در این مورد چون حق تضییع میشود باید قابل استیناف باشد. فرمودند اشکالی ندارد چون مدعی می تواند اگر محکمه رد کرد تجدید تقاضا کند از این جهت استیناف دیگر موردی ندارد بنده عرض میکنم استیناف مورد دارد برای اینکه شما در ماده سوم ذکر

می کنید که تجدید تقاضا را در صورتی می تواند بکند که يك دلائل جدیدی داشته باشد من مطابق سند رسمی که دارم مدعی هستم و مدعی به خودم را می خواهم تأمین کنم و هیچ دلیل تازه هم نمی توانم پیدا کنم در این جا چه میکنید؟ آقای باسانی فرمودند اگر بخواهید جلوگیری از تضییع حق بکنید در موردی که محکمه استیناف بر خلاف قانون یک کاری میکند و یک حقی را تضییع میکند چه خواهید کرد؟ بنده عرض میکنم بفرموده که در آن قبیل موارد يك حقی تضییع شود این دلیل بر این نیست که در جاهای دیگری هم که میشود از تضییع حق جلوگیری کرد. جلوگیری نکنیم و حق استیناف ندهیم به مستدعی تأمین این است که بنده در این باب پیشنهادی هم تقدیم کرده ام.

رئیس - آقای فیروز آبادی موافقت میکنید؟

فیروز آبادی - بلی موافقم.

رئیس - آقای روحی موافقت میکنید؟

روحی - خیر مخالفم.

رئیس - بفرمائید

مخبر - عرض میشود اگر ما بطور کلی این قضیه را در اینجا حل کنیم از نقطه نظر طرز فکرمان در آینه خیلی برای ما مفید و خوب است. اساساً يك فکری وجود دارد که ما برای تسهیل و تسریع محاکمات ببائیم و هر چه قرار در قانون محاکمات پیش بینی شده موضوعاً از بین ببریم باستثناء قرار هائی که کار را از محکمه خارج میکند مثل قرار رد عرضحال و نظیر آن. اگر يك قرار بشود کار را از محکمه خارج کرد در این صورت مدعی میتواند باستیناف شکایت کند. ولی آن قرار هائی که کار را از محکمه خارج نمی کند نباید قابل استیناف و تمیز باشد این نظر کلی و اصلی است. یکی از قرار هائی که کار را خارج نمی کند قرار تأمین مدعی به است. قرار تأمین مدعی به قرار است که کمک بدعوی میکند ولی اگر هم رد شود هیچ اثری از نقطه نظر حقانیت طرفین ندارد زیرا صدور قرار تأمین بارش هیچ ملازمه با حقانیت این طرف یا آن طرف ندارد

فقط از نقطه نظر تسریع محاکمه است و از نظر اینکه مدعی علیه زودتر حاضر میشود که کار خودش را تمام کند مفید است فقط تضییعی است که بر او میشود که زودتر غمخس را با مدعی ختم کند و منفعت تأمین بیش از این نیست فقط کمک به تسریع محاکمات میشود ولی ما نباید قانوناً يك طرفی پیش بینی کنیم که بعد تبدیل به بطوء شود. فرمایشاتی که آقای احتشام زاده میفرمایند بالاخره ملازمه دارد باینکه فلسفه تأمین از بین برود چرا؟ برای اینکه ما می خواهیم کارها هر چه زودتر در محاکم حل شود و الا اساساً معنی ندارد قرار تأمین قرار تأمین برای چه صادر شود؟ این فرض که می کنیم که ممکن است مدعی به در معرض تضییع و تفریط باشد آنوقت ببائیم حق بدهیم بآن کسی که قرار تأمین آورد شده؟! فرض کنید فرجه بین رد و تقاضا و رسیدگی استینافی و صدور قرار استینافی و اجرای آن هر چه باشد در این مدت اگر مدعی علیه که در صدد تضییع و تفریط حق مدعی است هر چه بخواهد که میکند. زیرا فاصله پیدا میکند و در همین فرجه که شب پیش بینی می کنید او تضییع و تفریط خودش را میکند. قرار استینافی بوده بمحکمه رفته محکمه رد کرده بعد فرضا استیناف داده دوسیه رفته آنجا این مدت فرجه میدهد به مدعی علیه. و بالاخره يك مرتبه دیگر هم عرض کرده ام قانون را برای طهران نمی نویسیم برای تمام مملکت می نویسیم حوزه های استینافی شامل تمام حوزه های ابتدائی مادون خودش است و بالاخره احاله که میدهیم از ابتدائی به محاکم استیناف این طول میکشد و هر طور که شما فکر کنید این به نفع اساسی محاکمه و تسریع جریانات کار نیست در هر حال دیگر بسته بنظر آقایان است

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده از آنجائی که عقیده دارم محاکمات زودتر طی شود عقیده ام این است که این

قرار استیناف و تمیز نداشته باشد. چون همانطور که فرمودند در اصل ادعا که نیست صحبت در قرار تأمین است و قرار تأمین هم برخلاف اصل است حالا بجهت این ببینند و يك استیناف و تمیزی قائل شویم آنوقت در ده سال پنجسال يك محاکمه تمام نخواهد شد و این باعث میشود که بعد از این کسی رجوع بمحاکمات عدلیه نکند مثل اینکه خود بنده. يك کسی آمد و با بنده خواست شرکت کند در کوره بزی و مبلغی گاه و جنس بهش داده پول هم داده رفت کوره بزی کرده دست آخر آمد و پانصد تومان پول مرا خورد خدا شاهد است که نمی خواهم بعدلیه رجوع کنیم برای اینکه یکسال دو سال طول میکشد بنده می خواهم کاری شود که مرده رغبت کنند که بعدلیه رجوع کنند مردم حالا راضی هستند که حقشان تضییع شود تا اینکه رجوع کنند بعدلیه باید محاکمات را قسمی کنیم که زودتر کارها تمام و حل شود و مرده راحت شوند

رئیس - آقای کیا موافقت میکنید؟

کیا نوری - بلی موافقم.

رئیس - بفرمائید

مخبر - ایشان موافق بودند

رئیس - پس آقای روحی بفرمائید

روحی - عرض میکنم آقای مخبر محزه توجه بفرمائید چون يك موادی هست که اشکالی ندارد مثل ماده هشت و نه که رأی دادند ولی موادیم هست که اشکالات دارد ولو اینکه مکرر هم جواب بگویند باید درش حرف زده شود بگذارید يك قانونی بی غل و غش بگذرد. من عقیده دارم هر قدر در اطراف این ماده بیشتر بحث شود نتیجه اش بیشتر است. بنده از بیانات حضرتعالی فقط يك نتیجه گرفتم و آن تسریع است که فرمودید کارها باید بسرعت تمام شود بنده عرض میکنم این تسریع را چرا منحصرأ در مورد مدعی علیه قائل میشوید در سایر موارد



هم قائل شوید. چرا محاکمات را يك درجه نمیکنید. یکدرجه کنید که بدایت حکمی بدهد و قاطع باشد. این سرعتش زیاد تر است و کارها هم زودتر میگردد. ولی البته جهتی داشته و روی يك فکری بوده است که ملل عالم آمده اند و زحمت کشیده اند و در اصول محاکمات خودشان سه درجه محاکمه قائل شده اند. روی این مسئله دقتها کرده اند و عمرها گذرانده اند کتاب ها نوشته اند و تجربه پیدا کرده اند ما آمده ایم و حالا می خواهیم باین تجربه عمل کنیم. همانطور که عرض کرده شمس برای محاکمات سه درجه قائل شده اید ولی جریان تأمین مدعی به را که مرتبط با دعوا است می خواهید یکدرجه قائل شوید؟ این ظلم است. برخلاف عدالت است. بنده يك کسی هستم که شاید یکدرجه اعتبار در بازار این شهر دارم رفته ام یکمقدار جواهر بعنوان امانت آورده در خانه بعد فردا در مقابل یک نفر با جهت باینجهت محکوم شدم یکعریضه يك کسی داد قانوناً مراحل تمیزی طی شود و تیرانه پیدا کنم مال مرا توقیف میکنند و این اسباب و اشیاء مردم هم در خانه من توقیف میشود. قرار هم که قابل استیناف و تمیز نیست مال مردم که قاطعی مال من شده توقیف میشود و از بین میرود (فیروز آبادی - رد این است) اجازه نفرمائید ولی اگر يك مرحله استینافی داشته باشد ممکن است آن شخص برود آنجا و ثابت کند که مال من قاطعی مال فلانکس بوده و باید بمن رد کند و البته رد میکند از این قبیل نظائر خیلی زیاد است حالا من نمیگویم همین مورد بخصوص اتفاق می افتد موارد زیاد دارد. يك مرحله دیگر ممکن است خود طرف يك اسنادی داشته باشد که این مال غیر باشد ولی در ظرف این دو روزه یا ده روزه دسترسی بآن نداشته باشد بعد میرود در محکمه استیناف آن اسناد را نشان میدهد و بجانب او حق میدهند اگر حق تمیز برایش زیاد است لافل استیناف لازم است و بنده نبودن حق استیناف را غلط میدانم آقای وزیر موافقت نفرمائید که يك مرحله استینافی قائل شوند و

همه تشکر میکنیم و رأی میدهم خدا شاهد است که از نظر خیر و اصلاح عمل است که بنده عرض میکنم و الا ملاحظه فرمودید در مواد ۸ و ۹ و ده و یازده هیچکس مخالف نبود اشکالاتی نبود و همه رأی دادند ولی این ماده اشکال دارد چون حق مردم را تضییع می کنند آقای بسائی مخیر هم که دفاع میکردند جز مسئله تسریع که میفرمودند بنده اطلاع دیگری پیدا نکردم استدعا دارم اگر دلیلی دارند بفرمایند و بنده را متقاعد بکنند و الا لافل مرحله استینافی را چنانچه پیشنهاد هم داده ام برای این مورد بخصوص قائل شوید.

مخیر - عرض میشود آقای روحی فرمودند از عریض بنده فقط چیزی که فهمیدند این است که می بایستی نظر سرعت محاکمات داشت. بی صحیح است بعد از مدتها تجربه و اعتدال سرعت در عمل باید نصب العین همه ما باشد (نماینده کان صحیح است) بالاخره باید در محاکمات تسریع کرد. بعبارة اخیری محاکمه يك نوع مبارزه طرفین است که اسلحه شمشیر اسنادشان است. يك مبارزه معنوی میکند که هر چه زودتر ما موفق شویم که باین مبارزه خاتمه بدهیم صرفه طرفین است. شما خودتان اگر محاکمه داشته اید اینرا باید بهتر مانتفت شده باشید. محاکمه برای متداعین اختلال هواس میآورد. فساد اخلاق تولید می کند و آنها را به تملقات بیجا میکشاند پس شما هر چه به تسریع کمک کنید به نفع آنها است. منتهی اصول هم البته باید رعایت شود ولی تا کجا؟ شما میفرمائید قرار تأمین استیناف داشته باشد؟ این مسئله موضوعی ندارد زیرا حکم در اصل قضیه که نیست تا تأثیر داشته باشد در حق متداعین. معذک بفرمائید پیشنهادتان قرائت شود اگر آقای وزیر عدلیه موافق باشند بنده اصراری ندارم هر طور که مجلس تصویب کند همان است (صحیح است)

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای روحی قرائت میشود:

#### پیشنهاد آقای روحی

ماده دوازدهم را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم:

ماده ۱۲ - قرار قبول برد تأمین فقط قابل استیناف است.

رئیس - آقای روحی نظری هم دارید؟

روحی - مطلب همان است که عرض کردم دیگر توضیحی ندارم. فقط میل داشتم آقای وزیر عدلیه اظهار لطف کنند و با این مرحله استینافی موافقت نفرمائید. چون آقایان در این ماده نظر دارند و بدایت را کافی نمی دانند برای این کار و صلاح است که استیناف هم باشد اگر قبول نفرمائید خوب است.

وزیر عدلیه - بنده میخوام در این قضیه کمتر اظهار عقیده کنم و واگذار میکنم بنظر آقایان عیش هم این است که اولاً این ماده از مواد اساسی این لایحه نیست و برای او هم میشود دلائل له و علیه هر دو آورد. چنانچه بعضی از آقایان فرمودند و در کمیسیون هم که مطالعه کردند بالاخره این شکل موافقت شد و با قابل استیناف بودن قرار موافقت نکردند بدلائل زیادی همینقدر میخوام عرض کنم که در اساس قضیه تفاوت حاصل نخواهد شد اولاً میدانید که مسئله تأمین راجع به اهمیت نیست بطوری که هیچ ضرورت ندارد بنده این جا اظهار کنم بر فرض اگر قرار تأمین در غیر مورد رد شود نمیشود گفت حق آنطرف را از بین برده این یک خطراتی نیست که توجه او شده فقط آن فوایدی را که میشود از تأمین گرفت آن فواید از بین میرود. ولی در اکثر موارد طوری نیست که بگوئیم حق آن آدم از بین رفته است بطوری که چیزی نمی تواند وصول کند. همه اشخاص هم بعد از محکومیت اظهار افلاس نخواهند کرد پس از این حیث نمی توانیم بگوئیم که اگر قرار رد شد یک ضرر اساسی بآن طرف میخورد به علاوه از

نقطه نظر عمل وقتی نگاه کنیم اولاً پیشنهاد آقای روحی جنبه دارد هم از قبول خواستند استیناف باشد هم از رد و با منطقی که خودشان اظهار کردند بنده تعجب میکنم که قرار قبول تأمین دیگر چرا قابل استیناف باشد. شما که مقصودتان این است که تسریع بشود و حق احتمالی مدعی تأمین شود بجه دایل می آید و وقتی که این تأمین را قبول کردید باز می خواهید قابل استیناف باشد (روحی طرفین بتوانند استیناف بخواهند) عرض کرده اگر نخواهیم يك منطق قابل قبول و قابل استنادی اینجا ذکر کنیم راجع باین است که در صورت رد بشود استیناف داد (صحیح است) ولی در مورد قبول وقتی طوری شد که مال کسی را تأمین کردند و بالاخره رفت در محاکمه دیگری برای رسیدگی باصل ماهیت دعوی و معلوم شد که این شخص ذی حق است آنوقت مال را میگیرند و میدهند باصل مال. در هر حال این قبول را حالا میگذاریم کنار و میرسیم بقسمت رد که میفرمائید قابل استیناف باشد البته آقایان همه می دانند که استیناف همیشه در مقرر تمامه محکم ابتدائی نمی تواند باشد بعبارة اخیری هر جائی که يك محکمه ابتدائی است در همین محل يك محکمه استیناف بلا سرش نیست حالا وقتی که اینطور است و قرار رد تأمین که داده شده است در رشت اگر بنا باشد بیاید به استیناف طهران تصدیق می فرمائید که چقدر این قضیه جریان دوسیه و اصل ماهیت دعوی را بتعویق میاندازد؟ دیگر فرمائید دوسیه روز بیشتر طول ندارد. خوبستن این دوسیه و آوردن آن تمرکز (سید یعقوب - این حق خود مدعی است دیگر) عرض کردم البته نلت اینکه بنده ساکت نشسته بوده و علت اینکه باسقی صحبت میکنم برای این است که دلائل بر له و علیه میشود مثلاً در مقابل این حرف من حالا آقای آقا سید یعقوب اشاره میفرمائید که این حق مدعی است و طول بکشد اهمیتی ندارد و این وقفه که در جریان دعوی حاصل میشود من که مدعی هستم خودم این کار را کردم و اگر هم به بینم که خیلی برای من ضرر دارد تقاضا



دفاع کرده و گفتم نیاستی محدودش کرد چون بسا ممکن است این کسیکه می آید با دلائل جدید در اغلب موارد شاید تقاضای تأمین قبول شود بالاخره بنده تصور می کنم که ضرری ندارد چون فرض همان فرض است با همان دلائل است که بی فایده است یا دلائل جدیدی است که راه برای او باز است و میتواند تقاضای تجدید کند از همان محکمه و الا اسباب تضییع وقت میشود و بالاخره بنده تصور می کنم حالا چون اکثریت اعضاء کمیسیون هم بعد از يك مطالعاتی باین ترتیب آمده اند و اظهار نظر کرده اند آقایان هم اظهار موافقت فرمایند و بهمین شکلی که ماده تنظیم شده است بهمین ترتیب بماند اگر فرض کنیم محکم بعد آمدند و در آن مواردی که الزامی بود در آن موارد ضروری تأمین را رد کردند بالاخره وزارت عدلیه و مجلس شورای ملی بجای خودش هست و بایستی يك ماده بسازند و آن چیزی که در عمل معلوم شده است که بایستی اصلاح شود اصلاح نمیشود و بالاخره این عقیده را هم نباید داشته باشد (بنده که ندارم) که هر قانونی که امروز نوشته شد این قانون نباید هیچ دست باو بخورد نه واقعاً اینطور نیست اگر در حین عمل دیدیم (چون میدانید مسئله تأمین مدعی به باین شکل خیلی تزگی دارد) احتیاج باین داریم که بعضی از مواردش را شدیدتر از این بکنیم و مقصود را بهتر حاصل میکند یکماده میاوریم مجلس شورای ملی تقدیم میکنیم که قرار در تأمین هم مثلاً قابل استیناف باشد. (صحیح است)

روحی - بنده استدعا می کنم سایر پیشنهادات هم

قرائت شود شاید بنده با یکی از آنها موافقت بکنم

رئیس - پیشنهاد دیگر:

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

بنده پیشنهاد می کنم در ماده ۱۲ این تبصره اضافه شود: تبصره - در فقره اول از ماده ۵ اگر محکمه تقاضای تأمین را رد کرد مدعی حق استیناف دارد

آقا سید یعقوب - در جواب فرمایشات آقای یاسائی

بنده ناچار هستم که مثلی عرض کنم ماه رمضان است عیبی ندارد (آقای مخبر این قضیه در نظران باشد) یک میر غضبی بود یک کسی از دستش فرار کرده بود و رفته بود در خانه نشسته بود میر غضب میگفت بابا برای یک قطره خون گندیده مرا خجالت نده بیایرون سرت را مثل گل میبرم. آقای فرمایند تسریع... اخلاق فاسد میشود... مرد که رفته است محاکمه کرده که حقتش را بگیرد قاضی رد کرده می خواهد حقتش را بگیرد اخلاقش فاسد میشود و بهتر است رد کرد... این یکی یکی دیگر اینکه آقای وزیر عدلیه يك فرمایشی فرمودند بنده گمان می کنم فرمایش ایشان را هم نتوانم قبول کنم برای خاطر اینکه بنده عرض کردم این حق من است حالا طول می کشد بکشد خود می خواهم قانون این حق را بمن داده آقای یاسائی میفرمایند همه جا مگر طهران است که ابتدائی و استیناف داشته باشد در رشت ابتدائی است و استیناف ندارد باید بیاید طهران خوب بشما چه بیاید چه میشود مگر؟ قانون این حق را بمن داده مدعی علیه در صدد تضییع مال است من تقاضای تأمین کرده محکمه رد کرده میخواهم استیناف بدهم. سند هم سند رسمی است قاضی با اینکه سند رسمی است رای بر علیه من داده شما میگوئید داری میزید بزنید این برای من تن میشود؟ این را بنده عرض میکنم درست توجه فرمائید باز يك مثل دیگر یکی کلاغ توی چه می افتد؟ گفتند خبر کلاغ حیوان زرنگی است در چاه نمی افتد. گفت خوب اگر افتاد چه میشود و چند دلو باید آب کشید؟ این جا هم همینطور است اگر قاضی آمد با این که دلیل من دلیل محکمی بود سند من سند رسمی بود و با آنکه مدال کردم مدعی علیه در مقام تضییع و تفریط مال است و درخواست تأمین کردم محکمه رد کرد (شما میفرمائید نمی کنند) اگر کرد من چه بکنم؟ خوبست این حق را بمن بدهید اگر قبول کرد که فيها اگر نکرد من بتوانم استیناف بدهم. حالا شما ذات بحال من میسوزد که اخلاق من فاسد میشود پس حق استیناف

نداشته باشم؟ نه آقا فاسد نمیشود بگذارید مال من که دارد ازین میروید بروم بگیرم و دلسوزی برای من نکنید اخلاق من مال خودم است برای این بنده در ماده پنجم که نوشته است سه قسم است که الزامی است قرار تأمین بر محکمه که قبول کند اگر آمد و تخلف کرد این حق استیناف باو داده شود آقای وزیر عدلیه هم تعقیب قوانین خودش را بکنند و آن قاضی را بمحکمه انتظامی بکشاند و مجازاتی که سزاوار آن قاضی است است و برای او ثابت است خواهند داد مطابق قانون حالا این جا در مقام تضییع و تفریط آقای یاسائی میفرمایند اگر مهلت داده شود که برود استیناف بدهد در آن مهلت تضییع میکند یا در مقدم قسم نکند که خود مدعی بیاید و تأمین کند خسارت از تأمین را بنده می آیم در جزو اول که سند من رسمی است و رفته ثبت اسناد و سند مالکیت است تقاضا کرده و مطابق آن سند باید بمن تأمین بدهند آمدند ورد کردند در این و میدهم صورت من چه باید بکنم؟ در این مورد هم باید این حق را بمن بدهید تا جلوی تضییع و تفریط او را بگیرند این است عرایض بنده و منطوق و دلیل بیشتری هم ندارم حالا دیگر بسته است بنظر مجلس

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - اگر چه در مطلب خیلی بحث شده است ولیکن در حقیقت مطلب از دو نقطه نظر قابل بحث است هم برای ردش میشود دلائلی اقامه کرد هم برای قبولش البته مسائلی که جنبه قضائی دارد قابل استدلال و بحث است هم بر له و هم بر علیه آنها بنظر بنده در این مورد استدلالی که بر له این ماده است یعنی استدلالی که بر طبق آن باید قبول نکرد که قرار رد تأمین قابل استیناف باشد قوی تر میباشد. گفته میشود که مدعی حقتش در معرض تضییع و تفریط است و همچنین گفته میشود که در مورد سند رسمی محکمه نباید قرار رد صادر کند بنده اساساً عرض می کنم بر



طبق تجربیاتی که دارم معتقد هستم که قوانین باید سریع باشد ولی تسریح در قوانین را تعدید حدود آن درجه‌ها که لا یتغیر باشد قانون بنده معتقد نیستم مثلاً آقاییان ترس دارند که معامله ممکن است در مقابل سند رسمی تقاضای تأمین را رد کنند بنده این را یک چیز بعیدی میدانم زیرا همانطور که یک مدعی سند رسمی دارد ممکن است مدعی علیه هم غیر مقابل آن سند رسمی داشته باشد راجع به آن خودش باید بر این قائل باشد اصل قرار داد آن بنده مدارک است در مقابل سند رسمی تا این حد در سند ممکن است مورد تخریب است آقای وزیر عمایه می فرمودند اسباب معضلی می شود و آقای قاسمی محمود در ضمن فرمودند که این بنده حربه مدعی است آن دو سینه و کوروش می باشد و اسباب دومین مورد خرد خردش خوراک است بنده بیست فرسخ در پیش را عرض می‌کنم که اگر بیست مدعی در ضمن جریان دعوی فهمند که بیست مدعی بیست است و اگر شاکه را بداند بنده نمی‌توانم پیشوند بر آن خاطر این که فرجه پیدا کنند تقاضای تأمین بنده که مدعی علیه را متراشه حساب می‌کنم معامله هر دو طرف رد شود استیناف بنده از آن فرجه در حال آنکه این بیست است که فصل خصومت هر قدر تأمین شده و در هر دو طرف بیست و سینه که بشود قطع کرد خسارت را بر سر بنده می‌گذارد است از آن طرف هم قوانین موجود معین کرده است که در چه مواردی میشود تقاضای تأمین کرد از بنده که علاوه در این قانون هم گفته پیش بینی شده است همیشه در هر مورد تجدید تقاضای تأمین ممکن است بشرط داشتن دلایل جدید بنا بر این دلیل ندارد که در اجاره بندهم فرورد تأمین قبض استیناف باشد و مجدداً اسباب اشکال فراهم کنند چون همانطور که گفته شد اگر دلایل جدیدی ندارد و با استناد ادعای خودش در محکمه ابتدائی که تقاضای تأمین کرده بود ورد شد بخواهد استیناف بدهد که بی فایده است اگر هم دلایلی جدید دارد که حق دارد بهمان محکمه مراجعه بکند و دیگر در مورد رد نباید ما قبول کنیم که بی جهت اسباب اشغال اوقات محاکم استیناف فراهم شود. علاوه آقایان

شما تصور میفرمائید - در همین استیناف طهران الان حوزه های متعدد ابتدائی هست که کارهای استینافی شان به مرکز احاله میشود و اگر بنا باشد که تمام قرار های رد تأمین قابل استیناف باشد بهمان اندازه که در محبت دعوی در استیناف دو سینه جمع میشود بهمان اندازه هم دو سینه رد تأمین جمع میشود و اسباب زحمت استیناف میشود و امور در آنجا بی نهایت متراکم میشود و ایجاد مشکلات بی شماری خواهد کرد بنظر بنده باصلاح قوانین و با این که فعلاً اوضاع تشکیلات عدلیه ما توری است که بآسانی تخلف از قوانین ممکن نیست آقایان عرض کنم رسید انکار نمی داشته باشند و در باب موضوعی که خیلی واضح است این قدر بحث فرمائید.

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای قاسمی محمود را قیام توجه می‌دانند قیام فرمایند.  
( عدد قلابی قیام نمودند )

رئیس - قابل توجه است. پیشنهاد دیگر.  
پیشنهاد آقای احتشام زاده

بصورت ذیل را بنده دوازدهم پیشنهاد میکنم  
تبدیل در موارد مذکوره در ماده ۳ قرار رد تأمین مدعی بدقیابل استیناف خواهد بود. احتشام زاده

رئیس - آقای احتشام زاده  
احتشام زاده - بنده بیست توضیحی که مفید باشد ندارم و چون دلایل این مسئله هم گفته شده بنده برای اینکه وقت مجلس را زیاد اشغال نکنم و نظریه اثریت مجلس هم معلوم شده است که با این قسمت موافق نیست لذا پیشنهاد خودم را مسترد میکنم

رئیس - آقای روحی میل دارید به پیشنهادتان رای گرفته شود؟  
روحی - خیر بنده هم مسترد میکنم  
رئیس - رای میگیریم بنده دوازدهم آقایان موافقین قیام فرمایند.

( اکثر قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد. ماده سیزدهم قرائت میشود:  
ماده ۱۳ - در صورتیکه مستدعی تأمین موجب حکم تطعمی بخلاف بیعتان دعوی شد طرف او حق خواهد داشت خساراتی را که از تأمین او مشروط شده است مطالبه کند  
رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - در وقت  
رئیس - آقای کارزونی

کارزونی - عرض کنم بنده البته متولایه فوق هستم لیکن در این خصوص در این مجلس خسارت آقای وزیر عدلیه توضیح بدهند که در بعضی موارد مطالبه خسارت را از روی چه میزان از عدلیه خواهد کرد؟ فرض کنید بگنجری بشیر دیگر دعوی ده هزار تومان کردیم سر ما بیست و چهار مدعی علیه هر ده هزار تومان است و در ازای مدعی توقیف شد و اگر در این یکی از این رفت بعد از یکی در میان محاکمه تمام شد و معلوم شد که مدعی بر اصل بوده است حالا چه در آنجا و اعتبارش که یکی از بین رفته است اعتبار عرض دارد؟ بنده حیثیت او غیر ممکن است حضور جریان خسارت و میشود روی چه میزان و مدرک؟ می‌رود ازش معذرت می‌خواهد.  
دستی - در روز بعد هم اعلان می‌کنند.

کارزونی - یا بقول آقای دستی در روز نامه اعلان می‌کنند؟ همچو گمان می‌کنم باشد خوب همینقدر کافی است که بی چون مدعی علیه بی تقصیر بوده است و تبرئه شده است و مدیون نیست مال توقیف شده بنده است داده شد همین؟ پس اعتبار او چه میشود و این چه میزانی معین خواهد شد و برای آن تاجر بی گناه و بیچاره که رشته تجارتش گسبخته شده چه فکری خواهد شد در هر صورت اگر این را توضیح میدادند خوب بود و ممنون می‌شدم چون اعاده حیثیت مشکل است برای آن تاجر بی گناه

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - بقضوری که در خود ماده تصریح شده است خسارتی که از تأمین برای مدعی علیه حاصل میشود آنقدری است که بشود به دلایل و اسناد ثابت کند و محکمه مکلف است بر طبق دلایل و اسنادی که او ارائه میدهد حکم بدهد و آنچه میزان را هیچ نمیشود معین کرد مدرک تأمین اسنادی است که مدعی علیه ارائه میدهد ممکن است در وقت تأمین پنج برابر اصل مدعی به خسارت بدهد عیب وارد شده باشد و وقتی به دلایل رسیدنی شد و حساب صحیح است از مدعی خسارت میخواهد ولی میزان آن در قانون نمیشود معین کرد هر قدر دلایل قویتر شود خسارت و محکمه هم حکم داد خسارت می‌باید.

رئیس - آقای شریعت زاده  
شریعت زاده - عرض می‌کنم  
رئیس - رای می‌گیریم بنده دوازدهم موافقین بفرماید.

شعبان - اجازه میفرمائید بیست توضیحی بنده عرض کنم: این چه آقای کارزونی فرمودند در اعتبار مدعی علیه از بین می‌رود بنده از مدعی جریان آن را خواست پنج نظر قانون را باید گفت که فردا در صورت مجلس اکثر خواهند استند استناد می‌کنند بدانند نظر چه بوده است اینجا در ماده مقصود از ضرر فقط و فقط ضرر مادی است و تنها ضرر مادی مقصود است.

کارزونی - پس آقای احتشام زاده بیجا گفتند؟  
شعبان - ایشان نظر خودشان را گفتند تنها خسارت خسارت و ضرر مادی است اگر بیست کسی مدعی شود که مال مرا بعنوان تأمین مدعی به توقیف کردی شرف من رفت این دعوی مسموع نیست فقط از نقطه نظر خسارت مالی است هیچ نظر دیگری نیست و بالاخره نظیر این را ما خیلی داریم و بالاخره این مسئله حقوقی



است و در مسائل حقوقی فکرها بیس از این نمیشود کرد در کارهای جزائی هم نمیشود کرد بالاخره شخصی را متهم میکنند بجنایتی آقای کازرونی دو سال هم بر اثر قرار مستنطق او را توقیف میکنند به تعقیب مدعی العموم میرود به محاکم و بالاخره تبرئه میشود چاره نیست بعضی چیزها هست که چاره ندارد و باید اینها پیش ما محرز باشد و الا اصلاً تشکیل پارکها و ادارات مدعی عمومی لغو میشود اینجا که چیزی نیست آنجا حبس دارد دو سال حبس بوده است حبس هم تدارک ندارد دیگر و خیلی بهش از این چیزی است که شما فرض کرده اید در هر صورت مقصود خسارت مالی است (صحیح است)

کازرونی - نشد.

رئیس - موافقین با ماده سیزدهم قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده چهاردهم قرائت میشود: قسمت دوم - در اقسام تامین مدعی به و محکوم به ماده چهاردهم - تامین عبارت است از توقیف اموال منقول و غیر منقول

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - موافقم.

رئیس - مخالفی نیست

بعضی از نمایندگان - خیر

رئیس - موافقین با ماده چهاردهم قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده پانزدهم قرائت میشود: ماده پانزدهم - اموالی را که مطابق قوانین راجعه با اجرای احکام از مستثنیات دین محسوب است نمیتوان بعنوان تامین توقیف نمود

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - موافقم

رئیس - آقای حاج سید محمود

حاج سید محمود - اگر مدعی به خود مستثنیات باشد چه باید کرد؟

خبیر - اگر مدعی به خود مستثنیات باشد یعنی یکی از مستثنیاتی باشد که قبلاً عرض کردم از نقطه نظر قانونی هیچ فرقی نمیکند برای اینکه اگر مستثنیاتی که قبلاً عرض کردم خدمت تان درشور اول مثلاً لباس اهل نظام مثل تفنگ بالاخره اگر فرضاً تفنگ یا شمشیرش یا لباسش مورد دعوی شد این را نمیشود بعنوان تامین توقیف کرد از تنش در آورد توقیف لباس نظامی را که نمیشود کرد بالاخره مستثنیات دین قانوناً محقق است چیز هائی است مثلاً بیل زراعتی گاو آهن فرضاً اثر خودش هم مورد دعوی واقع شود اینها را نمیشود تامین کرد چرا؟ چون بدرد کارش میخورد ممکن است خسارات جبران نا پذیری ایجاد کند که نشود جبران کرد و شارع هم که مستثنی کرده است باین نظر بوده است و بگذارید ماده را همینجور باشد.

کازرونی - خیلی هم درش حرف نزنید خراب تر میشود

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده موافقم

رئیس - آقای طاهری

دکتر طاهری - اگر مدعی به یا محکوم به غیر از مستثنیات دین باشد آنوقت چیز هائی را که از مستثنیات دین است نمیشود تامین کرد این يك چیز واضحی است ولی اگر چنانچه کسی از کسی طلب دارد و او چیز دیگری ندارد غیر از گاو که عامل زراعتی است آن گاو را نمیشود توقیف کرد ولی اگر اصل خود گاو مدعی به باشد یعنی گاوی را فروخته و طرف پولش را نمیدهد حالا سر این گاو مرافعه دارد.....

آقا سید یعقوب - عوضش خرش را بکار بیندازد دکتر طاهری - اصل خود گاو را که نمیشود توقیف کرد چون از مستثنیات است چه میکنند؟ (همهمه) در آنوقت هم همینطور است فلسفه ندارد که اگر خانه را فروخته است و پولش را نداده حالا این خانه را نمیشود تامین کرد در صورتیکه این در وقتی است که مدعی به و محکوم به غیر از مستثنیات دین باشد و مستثنیات دین را نمیشود تامین کرد.

وزیر عدلیه - (آقای داور) اگر آقا مراجعه بکنید به باب اجرا مستثنیات دین را بطوریکه در آنجا نوشته شده است ملاحظه میکنید که در آنجا يك چیز هائی است که حتی الامکان وقتی دست بان چیزها باید زد که مطمئن باشیم طرف حق میگوید و آن پس از ختم محاکمه است پس بنا بر این اگر بگوئیم گاو خودش مورد ادعا باشد چون شخم میکند و اسباب کار او است با احتمال اینکه این شخص حق میگوید نمیشود آن را گرفت و شخصی را از کار باز داشت باید تامل کرد پس از حکم فهمید تکلیف چیست بنده تصور میکنم آقا هم موافقت فرمایند بهمین ترتیب که اسباب زحمتی هم بعد تولید نشود.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - موافقم

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) رای می گیریم به ماده پانزدهم آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده شانزدهم قرائت میشود: ماده شانزدهم - تامین مدعی به یا محکوم به بتوقیف مقداری از اموال منقول یا غیر منقول مدعی علیه یا محکوم علیه که متناسب با میزان مدعی به یا محکوم به باشد بعمل میآید هر گاه مدعی به یا محکوم به عین معین باشد

مادام که توقیف آن عین ممکن است توقیف سایر اموال ممنوع است باستثنای آنچه راجع به محصول در این قانون مصرح است.

رئیس - نظری نیست در این ماده؟ (اظهاری نشد) موافقین با ماده شانزدهم قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده هفدهم قرائت میشود:

ماده هفدهم - مدعی علیه یا محکوم علیه میتواند تقاضای تبدیل مالی را که توقیف شده است به مال دیگر نماید مشروط بر اینکه مالی که پیشنهاد میشود از حیث قیمت و سهولت فروش از مالی که قبلاً توقیف شده است کمتر نباشد و نیز مدعی علیه و یا محکوم علیه میتواند با دادن ضامن معتبر تقاضای رفع توقیف نماید در مواردی که عین مدعی به یا عین محکوم به توقیف شده باشد تبدیل تامین منوط برضایت مدعی یا محکوم له است

رئیس - آقای دکتر ضهری

دکتر طاهری - تامین مدعی به يك حقی است برای مدعی یا محکوم له در مقابل این جا ارفاقی میشود برای مدعی علیه یا محکوم علیه که اگر خواست تبدیل کند به مال دیگری که از حیث قیمت کمتر نباشد ممکن است و همینطور اگر بخواهد ضامن هم بدهد ممکن است بعد يك استثنائی میکند آخر ماده که اگر عین مدعی به یا محکوم به تامین شده باشد این ارفاقیکه نسبت به مدعی علیه و محکوم علیه میشد یعنی اجازه داده میشد که ضامن بدهد و تبدیل کند دیگر نمیتواند بکند. یعنی اگر چنانچه بخواهد محکوم علیه یا مدعی علیه تبدیل کند بدون رضایت مدعی یا محکوم له البته نمیشود ولی اگر بخواهد ضامن بدهد بدون رضایت این تبدیلی ممکن نیست در آخر میگوید دره واردی که عین مدعی به یا عین محکوم به توقیف شده باشد تبدیل تامین بسته برضایت مدعی یا محکوم له است. ولی ضامن خیر در



صورتیکه دادن ضامن هم باز باید برضایت مدعی یا محکوم له باشد

وزیر عدلیه -- اینجا اعتراضی که آقای نماینده محترم کردند وارد است مقصود ما هم همین است وقتی که عین مدعی به یا محکوم به توقیف شده باشد تبدیل کردن یا ضامن دادن ممکن است فرضاً یک اسبی است که آن اسب را همان ترتیب تامین کرده است عین مدعی به است حرفی هم نیست علاقه هم دارد که آن اسب تبدیل نشود و اگر امروز آمد و تبدیل خواست اینجا باید برضایت مدعی باشد بدون رضایت او ممکن است از زمین برود و شما هم می خواهید تامین بکنید خیلی از موارد است که اگر شما بخواهید تبدیل مدعی به را بکنید بااستی با رضایت مدعی باشد و البته همانطوری که تبدیل را میشود کرد ضامن را هم باید قبول کنیم اگر مدعی رضایت داشته باشد بنا بر این یک پیشنهادی ممکن است بکنید باینکه نوشته شود تبدیل زمین بقبول ضامن منوط بر رضایت مدعی است. (صحیح است)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- آقای وزیر عدلیه اینجا دو مسئله است که میخواهم عرض کنم عقیده ما این بود که یک تسهیلی برای مدعی علیه بکنیم از جمله تسهیلاتی که برای مدعی علیه قائل شدیم این بود که گفتیم در صورتیکه الزام باشد در ماده پنج برای قاضی که تامین بکند اگر آمد و مدعی علیه ضامن پیشنهاد کرد اینجا برضایت مدعی باشد بنده عقیده ام این بود آقای وزیر عدلیه (شاید حالا نظرم خطا رفته باشد) که ضامن در اینجا یکی از تسهیلات بر مدعی علیه است ما که آمدیم در ماده پنج الزام کردیم که باید حتماً تامین بشود ما سه طرف را اینجا قائل شدیم گفتیم برای خاطر تسهیلات برای مدعی علیه اگر آمد و ضامن داد ضامن هم الزامی باشد نه اینکه ضامن به میل مدعی باشد و آن چیزی را که بنده عقیده ام بود و عقیده هم دارم و گمان میکنم اعضاء کمیسیون هم متوجه باشند این

بود که ضامن یک تسهیلاتی باشد برای مدعی علیه باین جهت بنده اجازه خواسته بوده عرض کنم مسئله که خود آقای وزیر عدلیه باید حل کنند که در مقام عمل گیر نباشد مسئله ضامن معتبر است کسب اینجا که ما نوشتیم ضامن معتبر محکمه مناط این را چه خواهد قرار داد چون کلماتی که یک قدری مبهم است در مقام قضاوت و در مقام عمل اسباب زحمت میشود مناط ضامن معتبر از چه قرار است در قانونی که برای بانک ملی نوشتیم اگر نظرتان باشد در جائی که کسی بخواهد از بانک قرض کند در آنجا بیانی شد در ماده پنجم که نسبت به ضامن معتبر یک اوصافی قائل شدیم حالا اینجا هم تبدیل نظر آقای وزیر عدلیه این است که این قانون بعد از آن باشد همان ضامن معتبری را که در قانون بانک ملی معرفی کردیم و بیان کردیم و اینجا ضامن معتبر هم همان است یا اینکه معنای دیگر دارد چون مبهم بود خواستم توضیحی در این باب بدهم

وزیر عدلیه -- فرمایشات آقای یکی راجع باین است که باینکه ضامن گرفتن بسته است بنظر مدعی علیه و برضایت او یکی دیگر این است که باینکه آن موقعی که عین مدعی به تامین شده است آنوقت بایستی یک تفاوتی بگذاریم و قبول ضامن را منوط بکنیم برضایت طرف اصولاً لایحه طوری تنظیم شده است که در اصل موافق با نظر شما است باین معنی که وقتی یک ضامن معتبر داد قبول آن با مدعی نیست قبول ضمانت اساساً با محکمه است (صحیح است) بنا بر این پس اگر او خواست اجابت کند در وقتی که طرف ضامن میدهد و معتبر هم هست و او میگوید فلان اسباب و اثنائی من میخواهم تامین بشود این را البته ارزش نمی پذیرد اما مسئله عین مدعی به اینجا یک امری است جداگانه در اینجا ما مجبوریم همین طوری که میگوئیم وقتی که عین مدعی به تامین شده است تبدیل تامین بدون رضایت طرف نمیشود

کرد همانطور هم باید در مسئله ضامن بگوئیم وقتی که عین مدعی به است که تامین شده است ما نمیتوانیم ضامن را قبول کنیم با رضایت طرف. عین مدعی به ممکن است از نقطه نظر مالی تفاوت نداشته باشد یک چیزی باشد که اهمیتی از برای طرف هم نداشته باشد و در اینطور مواقع هم البته سختی نخواهد کرد ای بسا یک ضامن معتبر را ترجیح میدهد که اسباب توقیف بدهد در بعضی موارد هم تصدیق میکنید که عین مدعی به اهمیت دارد نه تنها از نظر مالی که ما بگوئیم تبدیلش کند و مقابل این است که ضامن بیاورد ازش ضمانت کند خیر از نقطه نظر اخلاقی و از نقطه نظر علاقه که دارد بن جنب میگوید فلان چیز فرضاً یک چیزی است که در خانواده ببارت به ما رسیده است حالا یک کسی آمده است آن را بر داشته است در دست او است عین او را ادعا میکنند عین او را میخواهد توقیف کند که از بین نرود علاقه بن دارد ولو اینکه ممکن باشد شما بوسیله ضامن کاری بکنید که اگر عینش از بین رفت جبران کنید راضی نشود و حق هم دارد که راضی نشود پس در این قبیل موارد آمدیم یک تفکیکی قائل شدیم گفتیم که اصولاً ضامن بدون رضایت مدعی را همینقدر که معتبر شد ما قبول داریم ولی یک استثنائی برایش قائل شده ایم گفته ایم وقتی که عین مدعی به تامین شد حالا ضامن قبول نمیکنیم مگر اینکه مدعی راضی باشد اما در قسمت اینکه فرمودند ضامن معتبر این را باین عبارتی که نوشته اند کافی نیست خوبست آقا یک عبارتی بنویسید که کافی باشد ولی بنده تصور میکنم که بالاخره یک عبارتی شما بتوانید تعیین کنید که در هر مورد محتاج قضاوت نباشد مسئله اعتبار یک امری است که بااستی در هر مورد روی آن قضاوت کرد بنده نمیدانم شاید هزار تومان از یک نفر ضمانت کردم معتبر باشم اما اگر ده هزار تومان ضمانت کردم معتبر نباشم اعتبار بسته است باینکه بچه اندازه آن شخصی که آمده است ضمانت میکند ضمانت بکند و باید این را در موارد خاص خودش تشخیص داد و نمیشود با یک عبارت نوشت باید مطلب

را طوری بپردازیم که در هر مورد از موارد مثل یک مظر باشد که با نظر اندازیم بگیریم بالاخره باید در اینجا یک عبارت مجملی گفت و عرف البته در موقعش تشخیص بدهد که معتبر است یا نه

کیا نوری -- در ماده بیست و یک تصریح دارد بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس -- پیشنهادی از آقای ظاهری رسیده است قرائت میشود:

پیشنهاد آقای ظاهری

مقدمه منبع ریاست دامت عظمة: پیشنهاد میشود در آخر ماده هفده بعد از عبارت تبدیل تامین اضافه شود ب دادن ضامن

رئیس - آقای ظاهری

دکتر ظاهری -- توضیحش همین بود که عرض

کردم و آقای وزیر موافقت فرمودند

رئیس -- آقای وزیر عدلیه نظرشان چیست در

پیشنهاد آقای ظاهری؟

وزیر عدلیه -- اجازه بدهید بنده گفتم میکنم

که دادن ضامن منوط بر رضایت مدعی نیست

باید بنویسند قبول ضامن منوط بر رضایت مدعی است.

افسر -- قبول ضمانت

وزیر عدلیه -- فرقی نمیکند قبول ضمانت یا ضمن

رئیس -- (خطاب به آقای ظاهری) همینطور تصریح

میکنید؟ قبول ضمانت (ظاهری - بلی) آقای مخبر

نظرشان چیست؟

مخبر -- موافقت میکنم.

آقا سید یعقوب -- بنده مخالفم.

رئیس -- رای میگیریم اگر مجلس نخواست رأی نمیدهد

آقا سید یعقوب -- آخر بنده از اعضاء کمیسیون هستم

باید رای بدهم



بود راجع بمنع ورود نقره چون این لایحه باید درش مطالعه شود و از طرفی دولت عملاً اقدام کرده است راجع بنقره از نقطه نظر مصالح عالییه مملکتی بتمام گمرکات دستور جلوگیری داده است اگر چند روزی هم تأخیر شود و با مطالعه این کار بشود اشکالی نخواهد داشت این است که بنده آن لایحه را از طرف دولت استرداد میکنم و یک لایحه هم هست که از طرف وزارت معارف تقدیم میکنم که باید بکمیسیون برود

[ ۷ موقع جلسه بعد -- ختم جلسه ]

رئیس -- اگر موافقت میفرمائید جلسه آینده شب یکشنبه ۲۷ بهمن ساعت هفت و نیم بعد از ظهر دستور بقیه دستور امشت  
(جلس ده ساعت و سه ربع بعد از ظهر ختم شد)  
رئیس مجلس شورای ملی -- دادگر

رئیس -- مذاکرات ختم شده است این پیشنهاد است آقای سید یعقوب -- من نمیدانم این چطور است  
رئیس -- رای میگیریم بماده هفده با افزایش جمله که آقای دکتر طاهری پیشنهاد کردند و آقای مخبر و آقای وزیر عدلیه قبول کردند آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. بیه بنده یاد آوری میکنند که گفته شده است در بیان مجلس باید اعضاء کمیسیون عرایض و مرخصی و مبتکرات انتخاب شوند و برای اینکار تقاضا کرده اند که جلسه را ختم کنیم اگر موافقت میفرمائید جلسه آینده... آقای وزیر عدلیه فرمایشی دارید؟  
[ ۶ -- استرداد لایحه منع ورود نقره و تقدیم

یک فقره لایحه از طرف وزارت معارف ]

وزیر عدلیه -- لایحه در چند جلسه قبل تقدیم شده